

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آزار و اذیت رسول الله صلی الله علیه وسلم

(ترجمه)

از انس رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«لَقَدْ أَخِفْتُ فِي اللَّهِ وَمَا يُخَافُ أَحَدٌ وَلَقَدْ أُؤذِيْتُ فِي اللَّهِ وَمَا يُؤْذِي أَحَدٌ وَلَقَدْ أَتَتْ عَلَيَّ ثَلَاثُونَ مِنْ بَيْنِ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ وَمَا لِي وَلِبَلَالٍ طَعَامٌ يَأْكُلُهُ ذُو كَبِدٍ إِلَّا شَيْءٌ يُوَارِيهِ إِبْطُ بِلَالٍ» (قَالَ أَبُو عِيْسَى هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ)

ترجمه: در راه الله آن قدر تهدید شدم که هیچ کس تهدید نشده و آن قدر مورد آزار و اذیت قرار گرفتم که هیچ کس آزار و اذیت نشده و سی شبانه روز را طوری سپری کردم که من و بلال هیچ غذایی نداشتیم که یک موجود زنده از آن بخورد؛ بجز چیزی که بلال زیر بغل خود پنهان کرده بود.

در تحفه آخوذی شرح ترمذی با اندکی تصرف آمده است:

این فرموده رسول الله صلی الله علیه وسلم (لقد أخفت)، از ریشه إخافة، به این معناست که به شکنجه و قتل تهدید شدم. این سخن شان (و ما يخاف) یعنی آنطور که من تهدید شدم. عبارت (لقد اؤذيت) از مصدر اذاء است، یعنی بعد از تهدید با سخن عملاً مورد آزار و اذیت قرار گرفتم. (فی الله) یعنی در راه اظهار دین الله و اعلاى کلمة الله. فرموده رسول الله صلی الله علیه وسلم (أحد) یعنی هیچ انسانی در این زمان و (لقد أتت) یعنی سپری شد.

طیبی در شرح این سخن رسول الله صلی الله علیه وسلم (ثلاثون من بين يوم و ليلة) گفت: این تأکید شمولی است؛ یعنی سی شبانه روز پی در پی بدون هیچ کم و کاستی. منظور این است که بلال در این زمان با من همراه بود و فقط مقدار اندکی غذا به همراه داشتیم که بلال آن را زیر بغلش پنهان می کرد. از مجموع روایات مختلفی که در مورد سختی ها و آسانی های زندگانی رسول الله در باب «معيشة الرسول صلی الله علیه وسلم و اهله» وارد شده، پیش تر سخن به میان آمده است.

زمانی که ام المؤمنین خدیجه بنت خویلد دید که رسول الله صلی الله علیه وسلم در راه پیشبرد دعوت اسلام مورد آزار و اذیت قرار می گیرد، از روی دلسوزی به آن حضرت صلی الله علیه وسلم گفت: اندکی آرام بگیر و استراحت کن، پسر عمو!

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «لا راحة بعد اليوم؛ بعد از امروز استراحتی نیست (ای خدیجه).»

موضوع دعوت رسول الله صلی الله علیه وسلم بزرگ تر از این بود که در آن بتوان به آرامی و راحتی فکر کرد، و سختی اهتمام ورزیدن به دعوت همانند سختی حمل آن است و اگر دعوت گر به مسئولیت خود در دعوت پی ببرد و عظمت کاری را که در صدق آن است، درک کند، خواهد فهمید که اهتمام و پیشبرد دعوت با استراحت و آرام گرفتن در تناقض قرار دارد.

وقت آن فرا رسیده که تمام زنان و مردان مسلمان برای رسیدن به این هدف بزرگ، یعنی تأسیس دوباره خلافت راشده، شب و روز تلاش کنند؛ خلافتی که تأسیس آن به اذن پروردگار در آینده‌ی نزدیک وعده داده شده! آری، آنان دشمنان شما هستند، دشمنان اسلام؛ کسانی که طعم انواع شکنجه و آزار و اذیت را به زنان مسلمانی که در سلول‌های ازبکستان مورد تجاوز قرار گرفته و به کسانی که در غزه اجساد کودکان شیرخواره را حمل می‌کنند، می‌چشانند.

آری؛ آنان دشمنان شما هستند که برای از بین بردن دین‌مان شبانه‌روز تلاش می‌کنند! در زندگی ما مسلمانان جاسوسی می‌کنند ما را دستگیر، سلاخی و گمراه می‌کنند و حکام نالایق را بر ما حاکم می‌سازند تا با وجود این که از ما نیستند، به نام‌مان حرف بزنند و به خواست خودمان حکم‌رانی کنند! خواسته‌های ما را تحریف و بزرگان ما را تعقیب و پی‌گیری نمایند! این رؤیا را در سر بیورانند که آواز خلافت را در نطفه خفه کنند! آیا ما در جدیت از آن‌ها سزاوارتر نیستیم؟ آیا بر ما سزاوار نیست که آستین همت را بالا بزنیم؟ آیا زمان آن فرا نرسیده که به خود و خانواده‌مان همان سخنی را بگوییم که رسول الله صلی الله علیه وسلم به محض نزول وحی و در حالی که سنگینی این امانت را درک کرده بود، به همسرش گفت: «از امروز به بعد دیگر راحتی نیست!» آری، ما برای جان‌فشانی از آن‌ها سزاوارتر هستیم!

آن‌ها در لشکر باطل و ما در لشکر حق قرار داریم! آن‌ها پیروان کفر، فسق و نفاق هستند و ما اهل تقوی، شکوه و شرافت هستیم! آن‌ها بندگان دنیا و ما سپاهیان خلافتی هستیم که به فرمان الله تأسیس خواهد شد! آن‌ها با ناموس و جان و با خون و آبروی دیگران معامله می‌کنند و ما داد و ستدی می‌کنیم که هرگز زیان نخواهد کرد! با کسی معامله می‌کنیم که پادشاهی آسمان‌ها و زمین از آن اوست و امید است که عزت دنیا و آخرت را از جانب الله مهربان به دست آوریم!

مترجم: طه خالد